

بدعت عجیب پس از در گذشت کیارستمی

■ **محمدمحمدی**

چند روزی است که حوزه فرهنگ و هنر با وقایع تلخی روبه‌رو شده‌است. درگذشت فیلمساز شناخته شده سینمای ایران عباس کیارستمی و همچنین دو هنرمند سینما و تلویزیون مرحوم بهمن زرین‌پور و ملیحه نیکجومند کام همه هنرمندان و دوستداران به این هنر را تلخ و ناگوار کرده‌است.

اما ناگهانی‌ترین این اتفاقات، خبر درگذشت عباس کیارستمی بود؛ مردی که تنها کافی‌است با نگاه‌ی ولو گذرابه فیلم‌های کوتاه بلندده ۵۰ و ۶۰ شمسی به عمق و کنه او در سینما، چه در جغرافیای ایران و چه در وسعت جهان پی برد. اما است که سطور بسیار می‌خواهد و نه در خصوص این چند خط نه در باب چرایی کیارستمی بودن است که سطور بسیار می‌خواهد و نه در خصوص خطای پزشک که هر دو تخصص جامع و کافی می‌خواهد در حالی که نگارنده همچنان در قامت یک عضو کوچک از جامعه بزرگ فرهنگ و هنر کشور است و تا بزرگان دیگری هستند خود را مجاز به چنین جسارتی به‌ساحت هنر و هنرمندان کشور نمی‌داند.

اما هدف و مقصد از این نوشته اتفاق عجیب و نادرى است که می‌تواند بدعت‌نه چندان مناسبی را در آینده برای هر اتفاق مشابهی فراهم آورد و آن دعوت هنرمندان بزرگوار در فضاهای مجازی از مردم برای شرکت در مراسم تشییع پیکر مرحوم عباس کیارستمی یا به زعم عزیزان هنرمند و



دوستان ستاد برگزاری، مراسم آیین بدرقه ایشان است. اینکه فی‌نفسه این حضور کاملاً درست و بجاست شکی نیست اما ملاحظاتی هست که شاید در گام نخست و در وسعت که دوستان در حال تبلیغ و انتشار آن هستند امکان بروز و ظهور نیاید اما بدون شک همان گونه که پیش‌تر بیان گردید در آینده و اتفاقاتی مشابه قطعاً هم برای هنرمندان، همه‌برای علاقه‌مندان به هنر و همه‌برای مردم دردرساز خواهد شد و ظریف‌ت و پتانسیل عظیمی را برای رقم‌زدن وقایع تلخ خواهد داشت. ابتدا اینکه در یک روز و ساعت کاملاً اداری در خیابانی که خود منتهی به چند تقاطع اصلی آمد و شد مردم است برگزار کردن چنین مراسمی خودمحل اشکال است به گونه‌ای که این پرسش را به وجود می‌آورد چرا مراسم آیین بدرقه – تأکید می‌شود مراسم آیین بدرقه- مرحوم کیارستمی به‌جای برگزاری در کانون پرورش فکری در همان لواسانات برگزار نمی‌شود؟ دوم آنکه نگارنده منکر وسعت نام این هنرمند فقید و ایضا باشکوه برگزار شدن مراسم بدرقه نیست اما چه میزان از مردم عادی که همواره گرفتار مناسبات و درگیری‌های روزمره خود با شرایط سخت و ناگوار اقتصادی هستند با ایشان آشنا و اساساً از میان همان آشنایان چه تعدادی می‌توانند در این مراسم شرکت کنند؟ حال اینکه خیل عظیمی از مردم با بزرگان بزرگوارى که از آنها دعوت به این حضور کردن آشنایی

علاقه فراوان دارند و اینکه فی‌المجلس برای

این دسته از هنرمندان گر آنقدر تنها معیار شکوه مراسم بدرقه مرحوم کیارستمی تنها خلاصه می‌شود به حضور خیل عظیم مردم؟ و احیاناً خود آگاه هستند که شاید حضور وسیع مردم باعث بسته شدن و ایجاد راه‌بندان‌های بسیاری در خیابان‌های منتهی به این تقاطع‌ها شود؟ در حالی که خاطر م هست مرحوم کیارستمی حتی در مقابل برخی شوخی‌ها و مزاح‌های خارج از حد و حدود تعدادی از همسایگانشان در زمان حیات هرگز لب به اعتراض نگشود تا خدای ناکرده خاطرشان مکدر نشود و از ایشان دلگیری صورت نگیرد و حال چگونه است خود دوستان و همکارانش آن‌هم در چنین وسعتی، عکس رفتار ایشان اقدام می‌کنند؟ و آیا بهتر نبود عزیزان هنرمند به‌جای مردم از همکاران خود دعوت به حضور می‌کردند و قطع به‌یقین حضور همکاران و تمامی هنرمندان کشور به‌مراتب مراسم باشکوه‌تری را به‌نسبت حضور حداکثری مردم عادی برای هنر و حتی شخص مرحوم کیارستمی رقم می‌زد.

سوم آنکه منش زندگی حرفه‌ای مرحوم کیارستمی پر هیز از هر گونه حاشیه و همچنین تعهد و ایستادگی ایشان نسبت به نظام و کشورش بود. حال شاید این مراسم و این بدعت نیز با همان منش بر گزار گردد اما دوستان و همکاران هنرمند چه تضمینی می‌دهند در اتفاقات مشابهی که بدعت آن را در این مراسم گذاشتند، در سایر رخ داده‌ها و مراسم‌ها تبدیل به تجمع سیاسی و ایجاد حاشیه‌های ضد امنیت کشور نشود؟ بر فرض و به زبان فارسی ساخته شد. «سلام بمبئی» که نوع خود اتفاتی جدید و جالب است به خصوص برای مخاطبان ایرانی که با بازیگران هندی آشنایی دورا دوری دارند و ولی با همه این احوال «سلام بمبئی» یا توجه به تجربه سینمای ایران مانند یک هندوانه سرسبست است که نمی‌توان قبل از اکران این فیلم را تنها به دلیل اولین بودنش یا بازیگران چهره‌ای که دارد موفق دانست. هنر کارگردانی و البته فیلمنامه قوی از نکاتی است که به هیچ وجه در یک اثر هنری حتی با چهره‌های مشهور قابل انکار نیست و چه بسا اهمیت بیشتری هم دارد که باید در این فیلم بعد از اکران هم دید و آن وقت نظر داد.

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۴۸۴۶۴۸۸۴

«سلام بمبئی» می‌تواند آغاز یک موج فرهنگی باشد

تبادل فرهنگی با تولید مشترک سینمایی



■ **معمومه طاهری**

شاید فیلم سینمایی «سلام بمبئی» را بتوان اولین پروژه سینمایی مشترک ایران «دختر لر» اولین فیلم سینمایی ایرانی نیز در هند پس از سال‌ها دانست؛ چرا که فیلم «بازمانده» به کارگردانی فرانسوی‌ها ساخته شده‌است اما حضور بازیگران مشهور خارجی یا حضور در یک لوکیشن خارج از ایران نیز تجربه تازه‌ای نیست فیلم «بازمانده» به کارگردانی سسیف‌الله داد و بازی جمال سلیمان بازیگر معروف عرب؛ که خودش درخشندگانه همین تجربه آن هم در ژانر مقاومت توسط جمال شورجه با فیلم «سی و سه روز» موفقیت‌آمیز نبود. «سلام بمبئی» اما پس‌زمینه‌های خوب دیگری نیز دارد و آن اشتراکات وسیع مردم ایران و هند است و نیز علاقه و شناختی که مردم این دو کشور نسبت به همدیگر دارند. پیش از آن که استعمار انگلیس، مهاجمانه همه شبه قاره هند را تحت سلطه خود قرار دهد زبان فارسی در این کشور

چرا «دراکولا» بدون درجه‌بندی روی پرده رفته؟ دایره‌المعارف مصرف مواد در یک فیلم سینمایی

■ **هادی صداقت‌نژاد**

زمانی که رضا عطاران خبیر از آن داد که بناست یک کمدی – وحشت به نام «دراکولا در تهران» بسازد بسیاری پیش خود گمان می‌کردند اینکه کارگردانی که همه این سال‌ها به عنوان سازنده و بازیگر کمدی‌های سرخوشانه به شمار می‌رفت به سراغ ژانری چون وحشت‌سپرد، خواهد توانست نتیجه‌ای بدیع نه فقط در کارنامه عطاران که در سینمای ایران به جای بگذارد. به هر حال سینمای ایران تجربیات چندانی در خود ژانر وحشت هم ندارد چه برسد به تولید کمدی – وحشت که یک جور تلقیق ژانری به شمار می‌رود.
با این حال تماشای «دراکولا» نه تنها بدعت به نظر نمی‌رسد که برای عطاران بازگشتی است به تصویرسازی زندگی و لنگارانه‌های که در «بزنگاه» از یک معتاد ارائه داده بود.

به نظر می‌رسد رضا عطاران با همان نگاهی که به شخصیت یک معتاد در معارف رضوی‌ر هموار کرده‌الته هرچه آثار کیفی‌تر و تنوع بیشتر باشد این زمینه بیشتر فراهم می‌شود. خوشبختانه حوزه و دانشگاه نیز با بنیاد بین‌المللی امام رضاع(ع) پیوند خورده‌اند و این نویدارتقای کیفی جشنواره

رامی دهد

این استناد دانشگاه در باره تأثیر ترویج و تبلیغ آموزه‌های رضوی در جلوگیری از آسیب‌های فرهنگی بیان کرد. مقام معظم رهبری برای فرهنگ اهمیت خاصی قائل‌اند و حتی فرمودند: فرهنگ ریشه‌های مختلف این جشنواره‌اعم از هنرهای تجسمی، ادبیات، شعرد. که به زبان‌های مختلف هم امکان شرکت و رقابت در آنها هست. زمینه انتقال آموزه‌های رضوی را به شیوه مطلوب فراهم می‌کند. وی با بیان اینکه، شش‌های متنوع این جشنواره اهل فکر و هنر را جذب می‌کند؛ اظهار کرد: این جذب حداکثری، زمینه‌ساز تولید آثار و همه این حوزه‌هاست. باید توجه داشت وقتی از فرهنگ‌دینی‌سخن می‌گوییم منظور فرهنگ‌اهل بیت است از این رو، وقایع بتوان اخلاق و آموزه‌ها و نیز موضع‌گیری‌های امام رضاع(ع) را در ایجاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عرضه و تبلیغ کرد در واقع فرهنگ اهل بیت(ع) را عرضه کرد؛ امام حسین با تأکید بر لزوم اعمال خلاقیت و ابتکار در دوره‌های مختلف برگزار جشنواره بین‌المللی امام رضاع(ع) تصریح کرد، می‌توان از



باید تا تأکید بر لزوم اقدام و عمل همراه با ابتکار ابراز کرد؛ اگر اقدام و عمل نداشته باشیم محصولات فرهنگی دیگران در جامعه راه می‌یابد و جایگزین مؤلفه‌های فرهنگ خودی می‌شود؛ از این رو، برگزاری چنین جشنواره‌هایی خیلی مؤثر است چراکه هم می‌توان از مضامین و مفاهیم والا استفاده کرد و هم قالب و فرم زیبا را در انتقال آنها به کار برد.

قوی هند تقسیم نشده زندگی کرد.

اما بیدل دهلوی یا میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی نیز از چهره‌های مشهوری است که در شهر عظیم آباد به دنیا آمد و در حالی می‌تواند به عنوان یک نماد مشترک فرهنگ ایران و هند محسوب شود و در یک پروژه بزرگ سینمایی مطرح گردد و حتی نقش این شاعر هندی اما فارسی‌زبان به یکی از بازیگران معروف هندی سپرده شود. «سلام بمبئی» شاید زمینه و بستر مساعدی باشد برای همکاری‌های بیشتر ایران و هند اما در مسیری هدایت و برنامه‌ریزی شده و بهتر که تأثیر گذاری بالایی دارد. حالا که پس از دست‌دست کردن‌های مسئولان و متولیان امر با وجود طرح‌ها و ایده‌های مختلف دلسوزان فرهنگی اعم از ایرانیان مقیم امریکا و نخبگان داخلی و خارجی برای ساخت پروژه سینمایی مولوی که البته به جرات می‌توان گفت هنوز میدان‌ی دست نرفته و فرصت کار هست و می‌توان قبل از تحریف به شخصیت و تاریخ توسط جاملان هالیوودی دست به کار شد و اقدامات مناسب و خوبی انجام داد. در این میان بنیادهای سینمایی مانند سعدی که وظیفه گسترش زبان و ادبیات فارسی را دارند بهتر و بیشتر اقدام کنند. برای نمونه بیدل دهلوی می‌تواند هم علاقه مردم دو کشور را به هم نزدیک کند و هم مردم جهان را با ادبیات فارسی آشنا سازد بدون آن که سخنرانی و همایش پرهزینه برای زبان فارسی داشته باشیم تنها با کمک فیلم با محتوای قوی و مناسب زبان فارسی را به دنیا معرفی کنیم البته به شرط اینکه همتی باشد و کسی یا کسانی خود را مسئول بداندن تا اقدام عملی اساسی داشته باشند نه اینکه در حد طرح بماند و خاک بخورد و بعد که هالیوودی‌ها فیلمی ساختند بیاییم و زبان و قلم نقد و گلايه داشته باشیم.

رواج بسیاری داشت تا جایی که به در دیوار آثار به جای مانده دوران قبل از هنرنگی زیادی وجود دارد. در این میان شاعران بزرگ دیگری هم داریم که در هند به دنیا آمده‌اند و آنجا زندگی کرده و در کشور نسبت به همدیگر دارند. پیش از آن که استعمار انگلیس، مهاجمانه همه شبه قاره هند را تحت سلطه خود لاهوری باشد که البته در پاکستان یا به

وفور در جامعه در دسترس است باز هم کارگردانی که بناسنت تصویری واقع‌گرایانه و نه کاملاً تازعاری از جامعه معتادان را به گونه‌ای تیبیکال و با تقلید معتاد لاقفل یک شخصیت سالم قرار دهد تا منطق باورپذیری اثر بیشتر شود.

با این حال عطاران این کار را نکرده و به جایش همه را دم گرفتار اعتیاد نشان داده‌است؛ این می‌تواند نوعی تأثیرپذیری باشد از سبک سینمای جشنواره‌ای که در آن همه چیز این مرز و بوم غوطه‌ور در چرکی و نیستی نشان می‌شود. البته که شاید تأثیرپذیری عطاران کاملاً غیرمستقیم و برآمده از فیلم دین‌دین باشد ولی آنچه اغراق شده خود را نشان می‌دهد همین تأثیرپذیری است.

■ **آموزش روش‌های استعمال مواد مخدر؟**
«دراکولا» در تصویرسازی روش‌های استعمال مواد مخدر هم بدجوری اغراق‌آمیز عمل کرده‌است. در این تصویرسازی عطاران سعی زیادی کرده که روش‌های مختلف استعمال مواد مخدر را ارائه کند و در این مسیر آن قدر زصاده‌روی کرده که می‌توان فیلم را به یک دایره‌المعارف استعمال مواد مخدر تبدیل کرد؛ البته که در این دایره‌المعارف ممیزی وجود کرده و شرایط طوری پیش رفته که با دیاولوگ‌های مختلف این روش‌ها به مخاطب عرضه نشود و نه با تصویرسازی صریح اما به هر حال حتی در این زمینه هم فیلم خیلی

وفاور در جامعه در دسترس است باز هم کارگردانی که بناسنت تصویری واقع‌گرایانه و نه کاملاً تازعاری از جامعه معتادان لاقفل یک شخصیت سالم قرار دهد تا منطق باورپذیری اثر بیشتر شود.
با این حال عطاران این کار را نکرده و به جایش همه را دم گرفتار اعتیاد نشان داده‌است؛ این می‌تواند نوعی تأثیرپذیری باشد از سبک سینمای جشنواره‌ای که در آن همه چیز این مرز و بوم غوطه‌ور در چرکی و نیستی نشان می‌شود. البته که شاید تأثیرپذیری عطاران کاملاً غیرمستقیم و برآمده از فیلم دین‌دین باشد ولی آنچه اغراق شده خود را نشان می‌دهد همین تأثیرپذیری است.

■ **چرا «دراکولا» بدون درجه‌بندی سنی اکران شده؟**
«دراکولا»ی عطاران را باید از جمله فیلم‌های نوع متوسط و ضعف‌های بی‌شمار خود که آن آمده‌است یعنی حتی اگر در نظر بگیریم که ۱۳ دقیقه از همین نسخه فعلی هم حذف شده‌است و باز هم محصولی پر از اغراق بیش رومیان است باید دست مریزاد بگوییم به اداره نظارت که کوشیده لاقفل حجم رفتار و گفتاری که مروج استعمال دخانیات و سفره به هجروت(۱) در نتیجه استعمال است را کاهش دهد اما نکته اینجاست که حتی همین ممیزی هم نمی‌تواند فیلم را مناسب حال مخاطبی کند که با خانواده‌اش به تماشای فیلم می‌نشیند. اداره باید این فیلم را با درجه‌بندی سنی روی پرده می‌فرستاد. در نظر بگیرید کودکانی را که بی‌خبر از همه جا و صرفاً به واسطه تماشای فضای سرخوشانه «دراکولا» به مواد مخدر علاقه‌مند می‌شود؛ پاک کردن این تصور مثبت از ذهن ایسن کودک ممکن است سال‌ها زمان ببرد و حتی به قیمت اعتیاد و منجر شود.

آیا «دراکولا» اگر در درمیکا ساخته می‌شد با این حجم از نماهای نامناسب برای کودکان، بدون درجه‌بندی روی پرده می‌رفت؟ مطمئناً خیر. پس دلیل انفعال اداره نظارت در این باره چه بوده؟ شاید حواس پر تنی اعضا به خاطر درگیری در ماجراهای «۵۰ کیلو ابالو» و «رادتمند نازنین بهاره تینا»!

■ **یادداشت شقایق**

سرریال‌های بی‌کیفیت، ضعیف

و تکراری در ماه رمضان امسال

■ **جبار آذین**

سرریال‌های ماه رمضان امسال بی‌کیفیت، ضعیف و تکرار آثار گذشته‌بودند که نلباسمانی‌های امور مالی و به هم ریختگی اوضاع اداری و اجرایی و جنبه‌جایی مدیران نبود برنامه‌سازان حرفه‌ای و هنرمندان صاحب‌نام از عوامل اصلی بی‌برلمگی و نداشتن فیلم و سریال جدید و قوی و جذاب سیما‌است.

رسانه ملی در ماه رمضان امسال ضعیف‌تر و ناتوان‌تر از سال‌های گذشته ظاهر شد؛ طی سال‌های پیشین سیما در مناسبت ویژه ماه رمضان در کنار انواع برنامه‌های تکراری و تاریخ مصرف گذشته در بخش سریال‌سازی دست‌کم با سه مجموعه جدید از مخاطبان خود پذیرایی می‌کرد ولی امسال تلویزیون فقط دوسریال جدیدداشت وسایر برنامه‌ها همچنان با کیفیت‌های ضعیف و متوسط تکرار گذشته‌بودند.

نلباسمانی‌های امور مالی و به‌هم ریختگی اوضاع اداری و اجرایی و جنبه‌جایی مدیران و نبود برنامه‌سازان حرفه‌ای و هنرمندان صاحب‌نام از عوامل اصلی بی‌برلمگی و نداشتن فیلم و سریال جدید و قوی و جذاب سیما‌است. صدا و سیما به دلیل ضعف مالی مدت‌هاست که برای ساخت برنامه‌های خود دست به دامان اسپانسر شده و کار در این زمینه تا بدان جا جلو رفته که حامیان مالی سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیون در نگارش فیلمنامه‌ها، انتخاب بازیگران و هنرمندان و استفاده از فک و فامیل خود در آن‌ها دخالت فعال دارند از همین رو، احمد، ناصر، اصغر و محسن به یمن پول‌سالاری خود در سیما جمهوری اسلامی حضور پررنگ دارند. دو مجموعه متوسط بخش شده از تلویزیون از جمله قربلیان اسپانسر هستند که بضاعت و کمیت و کیفیت آن‌ها نه هنر و فرهنگ که پول و ثروت شکل داده‌است.

«پادری» با آنکه در سرگرم‌سازی مخاطب از «برادر» ساخته جواد افسشار موفق‌تر بود ولی به عنوان یک سریال استاندارد تلویزیونی از کارگردانی متوسط، شخصیت‌پردازی یکنواخت، موضوعات سطحی و شوخی‌ها و دیالوگ‌های غیر خلاقانه و کلیشه‌ای رنج می‌برد.

این سریال که قرار بود در آبان‌ماه ۱۳۹۵ روی آنتن سیما در بد به دلیل نفوذ و قدرت پول حامی مالی از پیش برده بازماند و با آنکه هیچ‌بطنی به ماه مبارک رمضان ندارد در ایسن ایام از تلویزیون بخش شده، «پادری» برای محمدحسین لطفی که پیش‌تر کارهای قوی‌هم از او دیده‌امست‌ایمی همی دربر ندارد. جواد افشار که اهل مجموعه‌اسرای است و سریال‌های خوب، بد و متوسط را در کارنامه تلویزیونی خود دارد گرچه با «کیما» ناموفق خود نتوانست نظرات مردم و کارشناسان و منتقدان را جلب کند این بار هم‌راه هنرمندان و عوامل فنی و هنری سریال «برادر» با فروش هنر خود به سیما بی‌بضاعت و در واقع به محسن تاجر بزرگ و پنج‌وارداتی چهره‌ای بازیان از مجموعه اسپانسر در تلویزیون و زانو زدن هنر در مقابل پول و سطحی‌نگری در مضمون و محتوا ارائه کرده‌است.

«برادر» علی‌رغم داستان سنت‌گرای خالص که طبق روال اغلب این نوع داستان‌ها برای ایجاد جاذبه در مقابل مدرنیته قرار می‌گیرد خواسته‌ش روای قصه‌ای عاطفی اخلاقی باشد که در حقیقت به جای نمایش اخلاقیات، شعارگویی اخلاقی به جای عرضه هنر درام و نمایش، سطحی‌نگری و سطحی‌ساخته‌گویی اجتماعی و به جای بازگویی محتوای شایسته‌ر مضامین تبلیغ‌گر حامی مالی خود شده تا آوا را پولدارتر کرده و سیما را حقیرتر و هنرمندان کسری‌آرای پنهان‌نشان دهد.

سریال‌های «پادری»، «برادر» به‌رغم ظاهر گرایی مضامین «برادر» هیچ‌ارتباطی با مضمون ویژگی‌های ماه‌رمضان نداشته و از دیدگاه هنری و مجموعه‌سازی و جایگاه معتبر قرار ندارد؛ رسانه ملی امسال با ارائه این دو مجموعه متوسط و ضعف‌های بی‌شمار خود در تولید و بخش برنامه‌های مناسبتی جذب مناسب و ساخت سریال‌های ممتاز و شاخص در ایجاد ارتباط و آشنی با مخاطب ناموفق بود حتی برنامه سابقه و با تجربه‌های مانند «ماه عسل» هم گریبی و جاییت سابق را نداشتت و مصیبت‌نامه‌ای برای آزار عاطفی مخاطب بود. در مجموع تلویزیون در رمضان امسال نتوانست از تماشگران نمره قبولی بگیرد و در عوض آنکه در این میان نمره ممتاز گرفت اسپانسر بود.

تکذیب شایعه ابتلای باز یگر «آجار منشین‌ها» به آل‌ایمر

در چندروز گذشته شایعه‌ای در برخی شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که حکایت از آل‌ایمر فردوس کاوانی داشت؛ باز یگر پیشکسوت ایرانی که تجربه ایفای نقش در آثاری پر مخاطب همچون «آثار منشین‌ها» و «سریال «همسرا» را دارد. با این حال همسر فردوس کاوانی در گفت‌وگو با «باشگاه خبرنگاران» ابتلای این بازیگر به آل‌ایمر را تکذیب کرد و گفت: همسرم چند وقتی است که جلوی دوربین نرفته‌است. فردوس کاوانی از جمله بازیگران ایرانی است که کارش را در تئاتر شروع کرده‌است. این بازیگر که جزو اقلیت‌های مذهبی بوده و زرتشتی است سابقه ایفای نقش در برخی از آثار مطرح سینمای ایران و از جمله «سگ کشی»، «بانو»، «میکس»، «هامون»، «در مسیر تندباد» «ترنجی‌پوش» داریوش مهرجویی است. ضمن اینکه آخرین کار تلویزیونی وی نیز سریال «هفت‌سین» ی‌دالله صمدی است.